

نامه فرسنه

سال پانزدهم دوره سوم بهار ۱۳۸۴ شماره ۵۵

خلیج فارس
۹ ایلان



الله اعلم

نامه فرهنگ

فصلنامه تحقیقاتی در مسائل فرهنگی و اجتماعی

سال پانزدهم، دوره سوم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۲

شماره مسلسل ۵۵

صاحب امتیاز:

معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

مدیر مسئول:

احمد مسجدجامعی

سرایجین:

دکتر رفعت داوری اردکانی

مدیر اجرایی:

علی بیزگر

مدیر هنری و امور:

ابراهیم پارسی

روزی جلد و شرکتها:

سیدنا حسادلیان

مشاوران و همکاران تحریریه:

محمدعلی الشاعری

سیدمحمد اویینی، نکار داوری اردکانی

والاپرداز و صفحه آن:

لیلا مولانی

عکاس میزگرد:

قدیر چین‌جو

توزیع و اشتراک:

راضیه تقییی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی:

سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

نشانی: تهران خیابان نامه مکالم فراهانی - خیابان فخر الدین سعادی - شماره ۱

طبیقه اول - نظریه نشریه نامه فرهنگ

تلفن: AT18805

پست تصویری: AT18805

مسئولیت مطالب و مقالات چاپ شده با نویسنده‌گان است.

نقل مطالب و تصاویر نشریه با ذکر مأخذ بلا مالع است.

قیمت: ۱۰۰۰۰ ریال

سرمهایه

- خلیج فارس، خلیج فارس است
رضا داوری اردکانی
- ١٢ میزگرد
• جنرالیای تاریخی و فرهنگی خلیج فارس
دکتر بیژن اسدی، دکتر ناصر نکنبل همایون، مهندس محمد رضا سحاب،
دکتر داود دارند، دکتر بیروز مجیدزاده و رضا داوری اردکانی
- ٣٦ الديشه و نظر
• خلیج فارس در پهنه تاریخ
دکتر هرمیداس باوند
- ٣٩ خلیج فارس در مقول تاریخ
دکتر بیروز مجیدزاده
- ٤٤ خلیج فارس در نشانه های جنرالیایی
مهندس محمد رضا سحاب
- ٥٨ خلیج فارس در آیینه تاریخ ایران و اسلام
دکتر ارشید خداداد بیان
- ٦٥ خلیج فارس در متون ادبیات فارسی
دکتر سید جعفر حبیبی
- ٦٨ هماهنگی ساکنان خلیج فارس و شبهه لوبن تکنیک وحدت و فرهنگی
دکتر ناصر نکنبل همایون
- ٧٢ انسان کامل و وزیری های آن
مهران نظری
- ٨٢ چهاری شدن و کثرت گوایی فرهنگی
دکتر وحید سایی - غلامرضا ابراهیم آبادی
- ٩٦ روش فکر کیست
رامین وصلی
- ١١٤ جایته ایران و درسهای تاریخی از دو جنبش اجتماعی، مشروطیت و انقلاب اسلامی
داود رودانی
- ١٢٠ تجدید و تورور در برابر عنویت
دکتر حسین سلمانی

چیزی که
آیا نخواهد
مفهوم است
معنای نیست
است و زندگی
است ۹۰٪
تلقیس نیست
جهانی شدن
خواهد شد
سریع‌تر می‌شود
و روزگرانهای
با محفل
در مجموع
از مرکز را
است. وی
جهانی شد
ملته است

مقدمه
نشریت با
در آستانه
است. من
دوران‌ساز
فرهنگی خود
«هبور از
«نبایی» می‌
سرمهایه‌داری
جهانی نازی
وضوح این
است

در توجه
بر این اتفاق
که بر پایه این
گذشتند که
تحولاں اند
نهایت شدت
نشورهای کسب

جهانی شدن و کثرت گرایی فرهنگی

چکیده

از تحوّلات اخیر جهانی که تحت عنوان جهانی شدن نهاده‌بودند اندک اندک چشم‌انداز گستردگری را برای مقامات فرهنگ و سیاست معموری کرده است؟ اگر چنان است روزگاری هی فرهنگ در عصر جهانی شدن گذام است؛ با این حال، کاسندر، گیمز، رایرسون، آبرو و نایارو و نظایر مختلف در سایر تحولات اخیر جهانی و جهانی شدن از آن که در این مفاهیم به آنها اشاره خواهد شد، نا آنست که به فرهنگ و جهانی شدن آن بروی طرف من نموده همچنانی کشته و وحدت از جمله روزگاری هایی بایع این عصر به شمار می‌رود. همچنین شدنی با این اصل شده جریان‌های فرهنگی در جرایع مختلف در مجموع به شکارگری جهانی کوتولگرا و نه مدنی ساده (زیرگی) های کشتگرایی می‌گذرد که در عصر جهانی انجامیده است. زیرگی های کشتگرایی می‌گذرد که در عصر جهانی شدن و رویکردهایی به آن هسته اصلی بحث این مقاله است.

مفهوم

پژوهی ناپایان هزاره دوم میلادی و پیش از هزاره سوم در آستانه دوره تاریخی نوین و تحولی شکوف قرار گرفته است. حوزه‌بودی مختلف ریاست‌شوری از این تحول فورانسر دلیل پذیرفته و نتکل‌بودی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جوانع مستعرض تغییرات عددهای شده است. پیور از جمله صعنی به جامعه فراموشی، و گذار از دلیل سدن به دنبایی پست‌مردمی، دھركت از سرمایه‌داری سازمان یافته به سراسایه‌واری سازمان‌بوقشه و زیان از این اتفاق به سایه تغییر و عادیزین است که برای توضیح این فرآیند و نتایج آن مورد استفاده فراز گرفته است.

فر توضیح روند تحوّلات اخیر در دنیا و ارتباط با عدم ارتقای آنها گذشته، فریک سو-نظیره‌پردازان تیوری کار در کالیفرنیا سوچشمه گرفت (واتر، پیشین؛ ۲۰۱۳) اما به مرور این مفهوم از انتصار اقتصاد پربرون آمد و به عنوان فرآیندی مستجمل و پکارچه شناخته شد.

این‌گاه مطالعه‌پرداز، نظریه دولت - ملت و خشونت^۱ و نظریه گستره ممکنی^۲ در این دسته قرار می‌گیرند. در سوی دیگر، نظریه‌پردازانی هستند که از ظهور نوع جدیدی از جامعه از درون جامعه کهنه و از ورود به دوره جدیدی سخن می‌گردند. به نظر آنها جهانی تو در حال شکل‌گیری است. طریق‌دانان نظریه فراموشی‌گرایی^۳، نظریه‌پردازان پست‌مادریسم^۴، شخصیت‌سازی المطالعه‌پرداز^۵ و شیوه اطلاع‌گیری توسعه^۶ در این دسته قرار دارند (زیسترن، ۲۰۱۷، ۱۸: ۳۲۸). اساساً وجود تلقی و تفسیرهای متناقض، مشهور ترین رازه در توصیف محصوره رخدادهای اخیر که در پیش تر علم و از همه مهم‌تر در علوم اجتماعی کاربرد پاکه و شهیر گشته جهانی شدن است.

وازه «جهانی» (Global) سیم از چهارصد مال است که کاربرد دارد اما اصطلاحاتی همچون 'Globalize'، 'Globalization'، 'Globalizing' و 'Globalism' تها از حدود دهه ۱۹۶۰- ۱۹۷۰ میلادی رواج پافت و شاواسط دعه ۱۹۸۰-۱۹۹۰ میلادی اعتبار علمی چندانی نداشت (واتر، ۱۹۷۹: ۱۱۰). کاربرد اصطلاح جهانی شدن به دو کتاب پرمن گردد که در سال ۱۹۷۰ میلادی منتشر شد کتاب اول، «جهانی‌گذاشتگاری»^۷ دلیل سارشال مکلولهان^۸ است که بر نقش تحولات وسائل ارتباطی و تبدیل شدن جهانی به دعکده واحد جهانی متمرکز است. کتاب دوم نوشته زیگنکو برزلسکی^۹، دلیل شورای امنیت ملل آمریکا در دوران ریاست جمهوری کارتر است که مطلب آن درباره نقش ایالتات گروهی در تحریی جهان و ازالت نسوانه جامعه مدرنسیم باشد به عنده که این ایجاد‌الحمد علی، (۱۹۷۹: ۱۵۲) با وجود این، رشته‌های اصلی نظریه جهانی شدن نه از آثار جامعه‌شناسان، بلکه از نظریات گروهی از نظریه‌پردازان تیوری کار در کالیفرنیا سوچشمه گرفت (واتر، پیشین: ۲۰۱۳) اما به مرور این مفهوم از انتصار اقتصاد پربرون آمد و به عنوان فرآیندی مستجمل و پکارچه شناخته شد.

ایهام و پیچیدگی تعاریف جهانی شدن رویکردهای و رعب‌نشانی گوئه‌گونی که گوشیده‌اند پس از

جهانی شدن را در قالب یک الگوی نظری عام و فراگیر گشتم متفاصل را از ویژگی‌های مختص و موضع جدا می‌کند. بازتابشگر نهادین که کاربرد مفهوم اطلاعات و داشت‌های مریوط به شرایط زندگی اجتماعی به عنوان عنصری ساختاری در سازمان‌دهی و تغیر و تبدیل‌های همان شرایط است (گیدن، ۱۳۷۸: ۴۵-۳۱).

مارتن آنرو به آغاز یک دوره جدید در تاریخ جهان معتقد است که قرآن مدرنیسم به پایان رسیده و عصری جدید آغاز شده است این عصر جدید «عصر جهان» است که در آن همه چیز در اندیشه‌های جهانی مطرح می‌شود در این عصر جدید به جای دولت ملی و اتباع آن، «السایت» مطرح است انسانیت که در عرصه جهان جهانی جدید یافته و این جهات جدید در قالب مدرنیته قابل فهم و فرزیت عصر جهانی از ظرف تو در ویژگی انسان دارد؛ نخست این که در این عصر زندگی مردم جهانی شده و جهان‌گرایی رجهانی شدن به زندگی اجتماعی مردم معا می‌پختند. دیگر این که با توجه به اهمیت فرانکو نظریه در عصر جدید و جهانی توین، نظریه‌ها و اندیشه‌ها، فرانکو شد و از استعداد بین افرادی که برخوردار می‌شوند (Allbow, 1996: 5-8).

اویک هارنام^{۱۶} بیز در توضیح روند تحولات اخیر

جهانی شدن را در قالب یک الگوی نظری عام و فراگیر قابل قبول کرد، هنوز در ازاده یک تفسیر و تبیین منطقی و واقع‌بینانه توفیقی نیافتد. خدمت و پیشیه‌تندگ جهانی شدن در محاکم علمی و ارتباخ آن با سطوح گوناگون تحیل مانند سیاست، اقتصاد، فرهنگ در دشواری تعریف آن مؤثر بوده‌است. و سمع تحولات مشتمل در این مفهوم و بیز توسعه‌یافته تکامل نهایی، از دیگر «لایل تعریف‌بخانگی این پدیده است. در واقع آنچه امروزه جهانی شدن خواهد می‌شود، حس و در وضعيت دیگرگونشونده، متغیر و بسیار متغول فرار دارد که از این تعریف جامع و ملائج از آن را مشکل می‌سازد. وجود مفهوم «شاده» گوایی سرشت در حال تحول این واز و از نتایج استخراج یک فضایت نهایی درباره آن است.

توین تأثیر^{۱۷} در توصیف تحولات اخیر جهان مذهبی است بهداشت به سوی یک تهدید جدید در حرکت است. تهدید که در آن دولت‌های ملی، دیگر تنها انتظامی‌گردد و ریاست جهانی نیستند. موج سوسن در راه است که در نتیجه آن دولتشا بخشی از فشرت حاکمیت خود را از دست خواهد داد. دخالت‌های فرهنگی و اقتصادی دیگر کشورها موجب برخوردی‌های شدید، غصیق و همه جانبه، این تهدید موج سوسن (اطلاعات و ارتباطات) با تحمل‌های موج دوم (ستخت) و تهدید موج اول (کشاورزی) خواهد شد به نظر دی این برخوردها تا استقرار کامل تهدید موج سوم ادامه خواهد داشت (تأثیر، ۱۳۷۶: ۱۱-۱۲).

مالول کاستلر^{۱۸} با تأکید بر مقصود ارتباطات و اطلاعات معتقد است جهانی تو در پایان هزاره دوم شکل گرفته است. این جهان در اخر دوره ۱۹۶۰ و نیمه دهه ۱۹۷۰ میلادی بر اثر ثاران ناریخی سه فرآیند مستقل پذیدار شده: تقاضا تکنولوژی و اطلاعات، سחרان‌های اقتصادی سرمایه‌داری و دولت‌سالاری، شکوفایی جهانی اجتماعی - فرهنگی. به نظر تو روئید این تحولات منجر به ظهور «جامعه‌ای شبکه‌ای» شده است (کاستلر، ۱۳۸۰: ۲-۱۲).

به نظر آنون گیلمن^{۱۹}، دیگر امروز، دنیا بی‌فرار است که نه تنها اندیگ تحولات جهانی در آن سریعتر از هر چهارمین هفده سال است، بلکه میدان عمل و زندگی تأثیرات آن بر کارکردها و تیوهای رفتاری جوامع پیشین بوده‌اند. این تأثیرات به طوری این پیوایی خارق‌العاده زندگی اجتماعی را می‌توان بواسطه عصر انسان پاسخ داد. جدایی (زمان و فضا) که به اسکان جاگذارش روایت اجتماعی محلی را موضعی در گستره‌های بهادری از زمان، فضا تا حد اینجا نظام‌های یکپارچه جهانی مسخر شده است، ساختارهای تکه‌برداری که عبارت است از

مانوئل کاستلر با تأکید بر عصر ارتباطات و اطلاعات معتقد است جهانی تو در پایان هزاره دوم شکل گرفته است

جهانی حرکت به سوی ملک‌گرایی و مادون ملک‌گرایی پیشیش می‌کند. از یک سو حرکت به سمت مازمان سیاسی و اقتصادی در سطح یک قاره یا در میان انسان و جهان و جهود داره را در سوی دیگر، حرکت به سوی سازمان‌دهی صورت و فرهنگ در میان انسان محلی (شایگر، ۱۳۵۰: ۲۰۶).

همه این تعاریف از جهانی شدن نشان از پدیده‌ای چالش‌گر داره که این‌جهه مخالف آن، تصور و سیاری از مقاومت اجتماعی متن مانند نظم، قدرت، امنیت، دولت، مشروعت، فرهنگ، ساختگی و هرست را فرسوده و

یک‌گان اکتوبر پیش تر از هر زمانی در گذشته است. این نظام جهانگیر در حال شکل‌گیری را نمی‌توان به صحتهای تقلیل داد که صرفاً جوامع پا تهاکشگران بروی را در برگیرد همچنین تئوی آن به عنوان نظامی که به شکل‌منفی و خودمنکر مبتداً از ارادات خود را بر واحدهای ملی و اجتماعی و نیز برگردانید و افراد تحمل من‌گند تادرست است. فهم پیچیدگی این نظام مستلزم رهایی چند‌تهدی است که به پیوندهای غیرمستقیم جهان گشکران و ظلم‌های نهادین توجه گند. آن‌جهه که امروزه در همه مراتب جهان را سطوح شناخت خودنمایی می‌گند، اصل همبستگی متناسب همه جانبه است که در کلیه سطوح فرهنگی، فلسفی، اجتماعی و تکنولوژیک متکن است. جهانی شدن، صرفاً به بین‌المللی شدن روزافزون اموری اطلایی نمی‌شود که نشان‌هسته کشن متناسب افزونتر میان دولت - ملت‌های خودمنکر باشد. این یادداشت رشد همبستگی و خودمنقابل روایت انسانی، در کنار افزایش یگانگی زندگی اجتماعی و اقتصادی ملل جهان را آشکار می‌کند (رسندر، پوشین: ۲۹۸).

در جهان شدن نوعی یگانگی از یک سو و گونه‌ای تفاوت از سوی «پنگ» شبکه اصلی اندیشه‌دان را تشکیل می‌دهد. انسان‌ها، خصوصیات و بیش‌های مشترکی پیدا

رسه را برای باز تفسیر آنها فراهم ساخته است. به این ترتیب، در جهان جهانی شدن نه با یک وضعیت طلبی بلکه با برآیندی از تغییرات و «شدن‌های سروکاری داریم که هنوز به تمام رسیده است. دیگرگوئی و تحویل در ذات بشر نهاده است. پس موجودی است ناکامل که درین تکامل نکوی می‌کند. تحویل و تغییر ضامن بخای سیاست شر و چاش و پاسخ دائم مشخصه سرگششت بشمری است. تحولات اخیر نیز جالی فازهای را برای انسان ایجاد کرده است و پاسخ نیازهای را ایجاد می‌کند. این دوران، دوران نارس نازهای است که با ریوگی‌ها و چالش‌های خود، فهم را به پاسخ گشتن غوا منحوند - انسانی باید الفتا و دیانت تغییر در فکر و اندیشه و پذیرها ایجاد کرده، نوع پنگ‌شدن به جهان را تغییر داد و حاکم بودن انسان بر سرپوشید و ازادهش و حایله انسان را باور کو.

در مجموع در باب پیش‌جهانی شدن من لوان گفت مفهوم *Globalization*^{۱۷} تحت دل بر تغییری است که طنز آن به جای ساختارها و سیستم‌های پیشین، پیکرکه بیرون در حال شکل‌گیری است که پیام‌های آن انسان جهانی پیدا می‌کند به تغییر «پنگ» در مبنی جهانی شدن بوجن قادرست همان فرهنگ است که انسان را فهم و مصادیق پیشیت به فراوردهای فرهنگی است. به همین «علیل» بسیاری از نظریه‌پردازان مدعی اند که تحیل و توضیح پایه‌های جهانی شدن با استفاده از مفاهیم پست مدرن بهتر است. مراجحات اینکه پسوند «انسانی و از انسان»، ناظر بر ترعیت تحویل و حرکت استعمالی است که بیانگر نکری «العنی پسر برای تکامل حروش است (نصری، ۲۰۵، ۲۰۶، ۱۳۴).

جهانی شدن در واقع شدید روایت اجتماعی در سراسر جهان است که در آن جوایز دور از هم «وکد» پنگ واپسی می‌شوند و به تحویل «الکلکتیک» سعادت هرگز بر تحولات محلی انسان می‌گذراند و از سوی «پنگ»، رویدادهای محلی ممکن است در جهت مخالف حوادث موکر حرکت کند.

جهانی شدن؛ وحدت یا اکثرت

جهانی شدن فرآیندی در حال ساختن فضای جدید اجتماعی است که در مقایسه با سایر تفکیم‌شدنی‌های نظری قرن بیستم، به مدل دوگانه ستون پو تکناد پایان داده است در جهان امروز که ارزشات جهانی و محصولات رهگشی آن را برای همسایان انسان ساخته است، «دیگریه (The Other) کمتر غریب به نظر من نمی‌باشد و بدرغم اینطای انسان در بازگیریت هیئت‌های توجه به «النائب» به عنوان

به نظر آنتونی گیدنر دنیای امروز، دنیایی قرار است که نه تنها آهنگ تحولات اجتماعی در آن سریع تر از هر جامعه ماقبل مدرن است، بلکه میدان عمل و زرفای تأثیرات آن بر کارکردها و شیوه‌های رفتاری جوامع پیشین تیز بی‌سابقه است

می‌کند همین بین که برای حفظ هیئت و شخص، بیش‌های رفتارها و فرعنگ‌های متفاوت تداوم می‌باشد، ایان کلارک^{۱۸} در کتاب «جهانی شدن و از هم گیختن» روابط بین‌الملل در قرون پیشتر می‌نویسد «تحولات جهانی حاکم از آن است که در فرآیند جهانی شدن و از هم گیختن به حفور هم‌زمان اتفاق می‌افتد و رویدادهای جهان چهره‌ای متفاوت دارند، برای مثال در دهه ۱۹۹۰ میلادی، در عرصه انتقام فرآیند جهانی شدن خلده داشت، در جانی که در عرصه سیاست، ناسیونالیسم قوی تشدید شد، کلارک معتقد است همان‌گونه که

«محالن - جهانی» (Global - Global) خواسته من شود، «پیگری تضادهای میان همگونی‌سازی اشکار در مقابل تفاوت درونی با همگرایی در مقابل واگرایی است، لذا وی نیز بر آن است که برای فهم تحولات اخیر ماید این دو مجموعه متنها (ظاهری) را با هم نگریست (آکسنوره و دیگران، ۱۳۷۸: ۲۵).

در مطالعات مربوط به تحولات اخیر جهانی، شواعد زیادی وجود دارد که با اصطلاح «جهانی - محلی شدن» اطباق دارد. بخت این که تنومنهای فرازبانی از شیوه‌های پاسفوردی تولید، توزیع و بازاریابی جهانی وجود دارند که به وسیله آنها کلاهای تولیدی چندمیلیون که تولید من شوند، به سلیمان و انتخاب گروه‌های مصرف‌کننده خاش هر سلطنه گره خورده است. دوم این که فرهنگ جهانی به عنوان فرهنگ ناهمگون درک شده است، زیرا وضعیت که بر اساس آن مصرف‌کنندگان و مانعهای غایی خاش حسودشان را از اندیشه‌وار و محصولات انجام منعند اکثریت بهترین در مطالعات جهانی شدن جا پز کرده است. سوم این که جهانی - محلی شدن در برداشتن اینجاد چهارچوب محلی از درون خود چهارچوب محلی به عنوان شیوه بهره‌برداری از بازار جهانی است (لن، پیشین: ۱۱۲-۱۱۳). سایرین به مواراث گسترش جایه‌جایی‌ها و انتقال کالا و خدمات در ورای مرزهای ملی، هویت‌های محلی نیز به تکاپو برخاسته و غصه مخالفت با این فرآیند خواسته شده‌اند، بر برایت فرهنگ، ارزش‌ها و آداب بوسیله خود تأکید می‌زروند. در این دیدگاه نشید آگاهی جهانی به معنای ضرفاً یک آگاهی همگن ساز نیست، بلکه بر وجود یک آگاهی مشترک نیز دلالت من کند. به تعبیر رایتسون جریان «وسیله‌های شدن» خاص و خاص شدن عالم که جدا و در تضاد با هم نیستند عنصر اساس جهانی شدن را تشکیل می‌دهد. جریان‌های گردی از مرکز و جریانات هویت‌پذیری فرهنگی و بوسیله تایید موج خلاف جهانی شدن تصور کرده زیرا آنها حرکت‌هایی در میان بازارهای اقتصادی جهانی دارند و فرهنگ جدید در حال شکل‌گیری هستند.

جهانی شدن و فرهنگ

هرگونه توجه و نگرش به مسائل جدید جهانی و از آن جمله جهانی شدن، پیامد بروز رسانی‌هایگاه، و نقش فرهنگی و چگونگی تحول و تطور آن در عصر جدید جهانی است. اکثر در جامعه‌شناسی و در علم اجتماعی معاصر توجه تازه‌ای به مسئله فرهنگ در مسائل جهانی و نیز اهمیت جوهری فرهنگ مشاهده من شود. ناگزیر فرهنگ، نتها به عنوان موضوع مطالعات تخصصی بلکه به عنوان یک «متغير مستقل» مورد توجه جامعه‌شناسان فراز گرفته است.

جهانی شدن، ابعاد تکثیل‌بیکار، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی دارد، از هم‌گیشه‌شن بزرگ‌گونه است. به نظر وی این در فرآیند با همیکر رابطه‌ای دیالکتیکی دارند و تعامل این در تحولات جهانی دارند من زند (فریتش، ۱۳۷۹: ۲۸-۲۹).

امروزه جهانی شدن دیگر عالمی همگونکننده ننیست، من شود، چرا که «جهانی» به طور مطلق مخالف «محلي» نیست، این در به طور تکانگش باشد از اساطیر «ازند و بوسیله یک دینامیسم واحد اینجاد شده‌اند که گاهی با اصطلاح سازاری‌ساز رایزن جهانی - محلی شدن (Globalization) شناخته من شود.

هرگونه توجه و نگرش به مسائل جدید جهانی و از آن جمله جهانی شدن، نیازمند پرسی جایگاه و نقش فرهنگ و چگونگی تحول و تطور آن در عصر جدید جهانی است

به اعتقاد رولاند رایتسون^{۱۰} جهانی شدن همواره در چهارچوبی محلی به وقوع می‌پوند در حالی که در همین حال، خود چهارچوب محلی از طریق گفتمان‌های جهانی شدن اینجاد من شود به نظر وی باید جهانی شدن را صرفاً فرآیندی شنی کنید که محل‌های از پیش موجود را به هم پیوند می‌دهد، از اصطلاح «جهانی - محلی شدن» را ترجیح من دهد، چراکه این اصطلاح در تعریف اصلی خود به معنای یک دیدگاه جهانی درونه شده به شرایط برابر بازارهای متفاوت محلی تولید می‌گردد سایرین، «جهانی شدن، تولید و بازتویید می‌گردد، در حالی که توجه از آن، در چهارچوب‌های محلی و بر اساس معابرهاي مورده بحث وجود دارد» (لن، ۱۳۷۵: ۱۱۱).

ما یک فلدوستون^{۱۱} بیز در تکلیف گیری نظام جهانی، چند شش متنها می‌بیند که از طریق آنها من یوان تحولات اخیر را فهمید. بخت افزایش گستره بازاری‌سازی در مقابل تلاش‌های آگاهانه برای تحدید و تغییر شکل تحریره است که در پاسخ‌های سادگرا به فشارهای فرآیند جهانی شدن دیده می‌شود. شش دیگر تفسیرهای دو «جهن محلی و جهانی و ظهور آنچه که هویت‌های

بر تکانهای تکی به فرهنگ، من توان از راسته‌چی از
زندگی دست که انسانها در آن به کمک راه رسمهای
پل‌سازی نمایند به ساختن معاشر می‌بینند. فرهنگ
را ایمانی است که در آن، مردم به طور قدری و جمیع از
طرق ازدواج ایجادیگر به زندگی خود معاشر می‌باشند.
اما باید خود را به یک تعریف متفقین و متفقین از فرهنگ
محدوده ساخت. چراکه فرهنگ پرسنل چگونگی
و اینها اینهاست - فرهنگ، حایات، مفارقات دارد.

از سیمه درم دهه ۱۹۶۰ میلادی به فرهنگ در
الشگاه‌مدی طرفی به نحو فراموشی نوجوه شد. این نوجوه
من از ندام و گسترش سرمایه‌داری و بعضی حاصل از

پیش به حوزه رئالیسم سیاسی وارد شده و سیاست‌های
بین‌المللی (پیش به میراث ملت‌آشنا) صبغه فرهنگی
پاچنده است. در دنیای امروز قدرت در هیئت فرهنگ ظهور
پاچه است ر مقابله عمده سیاسی همانند آزادی، عدالت،
دموکراسی و... با معیارهای جدید فرهنگ تفسیر من شوند
لذا دستیاری به قدرت سیاسی شهابا در اختیار گرفتن
قدرت فرهنگی ممکن است.

در نتیجه جهانی شدن جامعه انسانی مشروط به
حدی است که در آن نظام فرهنگی به طور انسانی بر
نظامهای انتصاعی و سیاسی تأثیر می‌گذارد و من توان
انتظار داشت که اقتصاد و سیاست تا آینه جهانی
من شوند که با فرهنگ درآمیزند (واتوز، پیشین: ۲۲). در
واقع توسعه نظام بین‌المللی دولت‌ها تا آینه امن توانند
پیش رود که نظام فرهنگی به آن اجراه دهد. بر این اساس
جهانی شدن گفتگو درباره تجزیه فرهنگی را به منحور
بحث درباره تبعیز راهبردهای دخالت در هر صنایع دیگر
از بساط جهانی - سیاسی - ایستادی و اقتصادی تبدیل
نمی‌کند (انقلاب‌نوین: ۱۳۸۱: ۵۱).

جهانی شدن را من توان به عنوان جهانی از فرهنگ
شدن روزگر و زندگی اجتماعی به شمار آورد. چراکه
دیگر اصناف این مرحله از جهانی شدن فشار فرهنگی
است ته فشار مادی یا سیاسی. فرهنگ برای جهانی شدن
اعیت دارد، چراکه جنبه‌ای سیاسی از کل فرایند از بساط
پیچیده (جهانی شدن) و قوای سخت این از بساط پیچیده
است (همدان: ۴۰). پیش از جهانی های اجتماعی نوین نیز
جهانی های فرهنگی هستند که حواسه‌هایان تغییر این
و روش زندگی است به تغییر قدرت. معنای اساسی
اعیت فرهنگ برای جهانی شدن نیز در این است که
کشیده ای فرهنگی به چیزی تبدیل می‌شوند که پس از
جهانی داره شمار مشهور جنیش می‌یعنی «جهانی
پیشیش، محلی عمل کن» نشان دهنده راهبردی سیاسی
است که از روایت فرهنگی و جمعی سیاست روش درباره
این که زندگی خوب سازیم چه چیزی است سرچشمه
من گیرد.

کثرتگرایی فرهنگ

تووجه به جهانی و جهانی شدن مستلزم ایجاد سطح
مفهومی تازه‌ای است. فهم نظام جدید جهانی مستلزم
پویگردن و پویکردن چندان‌هایی و کثرتگرایی است تا به وسیله
آن تحولات اخیر را تحلیل کرد. پویکردن چندان‌هایی را
پیروزی زمینه بوسیه تمام بعده جهانی شدن را فراهم و با
اجتناب از تأثیر پیش‌فرضهای تکراریک یک مسئله و
نظریه خاص، امکان دسترسی به تصویری جامع و
همه جانبه از جهانی شدن را فراهم می‌آورد.

اهمیت فرهنگ برای قرن

بیت و یکم به حدی است که عده‌ای آن
را قرن فرهنگ و پارادایم‌های فرهنگی
نمی‌دانند و برخی نیز از ظهور قاره ششم
تحت عنوان فرهنگ یاد می‌کنند

آن برای تصوری‌های مارکسیست بود. بنا به پیش‌تر
تکوی‌های مارکسیست مربوط به قرن ۱۹ و اوایل قرن
۲۰، سرمایه‌داری تایید و پرستگشی بر اقتصاد خود فرو
ریزد، لذا دوام آن باید توسط عوامل غیر اقتصادی توضیح
داد شود. از این رو، فرهنگ - در مفهوم محدودتر همان
ایجادگری سلط - نایابالیست و قلمگاری برای تسبیح
آن مغضن طرح شد (وابرتسون، ۱۳۸۰: ۹۹). مثلاً در
مکتب فرانکفورت و در تئوری انتقادی آن، فرهنگ عامل
انسان تحولات اجتماعی است و تسبیح فراموشی ایجاد
سرمایه‌داری متاخر، بدون تاخت تأثیر فرهنگ ناممکن
است (کاظمی، ۱۳۸۰: ۱۴۵). از جمله عوامل دیگری که
مسخر به روش فرهنگ گردید، استحکام تکویی روش‌های
الانگیز و داده که زمینه زایی تجدید میات فسقه سیاسی و
لبیل علم سیاست به یک مولوی فرهنگی فراهم آزاد
(همدان: ۴۰).

امروزه فرهنگ از حالت تبعیز عرصی درآمده و از
پارادای جهات خصوصی زیست‌پایان گرفته است. اهمیت
فرهنگ برای قرن بیت و یکم به حدی است که عده‌ای
آن را قرن فرهنگ و پارادایم‌های فرهنگی می‌دانند و
اویس نیز از ظهور قاره ششم تحت عنوان فرهنگ یاد
نمی‌کند اکنون دیده عین شود که عوامل فرهنگی بیش از

انتخاب برای آنها یک پیش شرط اساس است و ایناً آن گفتگوی متن و آشای، احترام، شناخت، اعتماد و احذاز موافق با تغییر موافق برای ایجاد تکابو و بالذکر فرهنگ میان مردم است» (العوانی، ۱۳۸۰: ۹).

(۳۷۳)

مک لئن معتقد است کثرت‌گرایی جدید در نتیجه سرخوردگی همچنین از برداشت‌های ساختارگرایی از اجتماع و سیاست پدید آمده است اینکه انتقاد به مرکزگرایی استدعا، به پیشرفت خطر، به جامعه همسکون، به جو اقتصادی، به افق «پدید اروپایی مدار، به حافظه کاری روانی و حسی و به مهندس استدعا، فقط از نظر انسانی کامل‌سازی برانگیز است بنکه برای ساختار جوامع که در آن زندگی مسکن نیز نایست، است» (مک لئن، پیشین: ۱۲۷).

کثرت‌گرایی اول اگر ناگوئی دارد، کثرت‌گرایی فلسفی، کثرت‌گرایی سیاسی، کثرت‌گرایی حقوقی، کثرت‌گرایی ارزشی، کثرت‌گرایی دینی و کثرت‌گرایی فرهنگی، کثرت‌گرایی فرهنگی عبارت است از شناسی شیوه‌ها و رسوم اجتماعی مختلف در فروند گروه‌های قومی گوناگون، در کثرت‌گرایی فرهنگی، بیشتر در جامعه‌ی پلورال ر تحمل و تساهل نسبت به آداب و رسوم پیکاری غایی اخلاقی مطلوب به شمار می‌آید (ویست،

زمینه نظریه‌بازی درباره کثرت‌گرایی فرهنگی در سلطح جهان بر اثر عدم غایله سراسری فرهنگ عالمیان مدون، بجز این در عقلاتیت فرهنگ تجدید، مکالمه برعی از خود، فرهنگ‌های قدیمی و سنتی‌باجام طهور جشن‌های مختلف سنتی و تجدیدستیز در قرون پیش فراهم شده است. در چنین دیدگاهی، تجربه و تغیر کثرت فرهنگی‌ها است به وحدت فرهنگ. بر طبق این نظریه اگرچه ممکن است تعداد ماقبل و تکنولوژیکی در جهان مسلط گردد اما فرهنگ‌های مختلف، هویت خود را حفظ خواهد کرد. هائینگتون نیز بر آن است که در اوآخر قرن پیش اگاهی از فرهنگ و بازگشت به خوش در سلطح جهان شدت چشمگیری یافته است، لذا در جهان چند اندیشه، دینگاه یک اندیشه‌گذاری‌های بسیاری دارند (هائینگتون، ۱۳۸۰: ۱۷۵).

کثرت‌گرایی غیربدارنده متعار و مفاهیم گوناگوئی است؛ پایه‌ی این واقعیت که ارزش‌های فرهنگی گسترده را گوناگون اند، مخالفت با هر نوع اسرار پاییم فرهنگی، رایید شیوه‌های مختلف دالن ریوند، پاییش گسترش و پیغام از منافع اجتماعی و گروه‌های همسو در عرصه امردادیین سیاست که همچ یک از آن‌ها به متوجه قابلی انسان و اخلاق «نیستند، سرمتش نهادند به اصل «برابر اما متفاوت و...» (مک لئن، ۱۳۸۰: ۴).

در پس نیام علایق و تمایلات که به سمت کثرت‌گرایی وحود دارد، دلیل و محروم اصلی عبارت است از این‌که من توانم بیش از یک درست، یا صلحیخ، وجود داشته باشد تا به عنوان روابط از یک موضوع محسنه شود. در واقع تصویر پیروزی از جهان وجود گوناگوئی‌های بسیار، مقابله نسازگار و شبکه‌های اخلاقی متفاوت، سیستم‌های غنیدن مکث و بی‌نهایت ارزش را به رسمیت منشاید، بدون این‌که یک میزان و قانون استعلایی در این‌باره که کدام یک از آنها درست است، وجود داشته باشد (Baghramian and Ingram 2000: 1-2).

کثرت‌گرایی پدیده جدیدی نیست اما آن چه آن با منایی از گذشته می‌کند این‌که و گسترش آن است یلوزالیم، امروز به زندگی انسان راه یافته است. ما خود را در جهان می‌باییم که در آن تکشی از تقویت‌های فلسفه‌ها، صدای و عقاید فرهنگی وجود دارد. کثرت‌گرایی مخصوص اذاعی به این نکته است که هیچ فرد یا گروه بشتری نمی‌تواند ادعا کند تمام حقیقت زندگی ای دارد. پاییش این اصل مستلزم افزایش این مطلب است که برای تعاض انسانها یک حق دام در زندگانی و کرامت انسانی و قدرت‌هایی به حلوق، انجام وظایف و تأمین بازماندی‌ها وجود دارد که البته در این میان نایمن حقیق

مک لئن معتقد است کثرت‌گرایی جدید در نتیجه سرخوردگی عمیق از برداشت‌های ساختارگرایانه از اجتماع و سیاست پدید آمده است

(۱۳۷۱: ۲۶۷-۲۶۸). شیوه‌های گوناگون زیست وجود دارد و این شکل‌های متفاوت زندگی ممکن است اخلاقیات و روحیات متفاوت و متمایزی را از پک‌دیگر ایجاد کنند. در پیورالیسم فرهنگی، عدم تعین فرهنگی وجود دارد. این حکم که نهان فرهنگ از فلان فرهنگ بهتر است «از ارزشی برای دارد، نه صادق است و نه کاذب (گری، ۱۳۷۹: ۱۶۹)»، البته مورث‌های زندگی فرهنگی کم محتواتری وجود دارند که فضیلت‌شان اندک است اما شکوفایی انسان یک شکل و صورت یا حتی مورث‌های محدود و مشاهه ندارد. پیورالیسم فرهنگی، اهمیت گوناگوئی فرهنگی را

رویکردهای متفاوت درباره فرهنگ جهانی
 فرأیند تحررات جهانی، با متحول ساختن فضای زمان، زندگی اجتماعی را متحول و سرزمینی را تا حدی فروریخته و نویدیم ساخته است این امر ناشی شده است فضای امن و خلوت فرهنگ‌ها از بین رفته و در عرصه زندگی اجتماعی فرهنگ‌های مختلف به‌آسانی گشترش و سریان یابند در چنین عرصه‌ای، فرهنگ‌ها به صوران گزینی‌باید با هم روابط برقرار می‌کنند و در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. جهان‌گشایی نوین که بر «شیوه تولید اطلاعات» مبنی است، به سمت جهان تأثیف‌نمایی یافک تهدید - تهدیه‌های سیارا می‌کند. این جهان تو، اگرچه کلی بشر را فرا می‌گیرد اما به فرهنگ‌های مختلف هم محل می‌دهد تا موادی خود را با آن و غر درون آن برقرار سازند. این جهان برخلاف مدنی متعفن که به روایت غرب از تجدد ملتکی بود، به دروایت‌های سیاره سجال پرورد می‌کند و فرست شکنن را برای همه انسان‌ها فراهم می‌سازد (در جایی، ۱۳۸۰: ۴۱۵). در واقع فرأیند استعماری‌دان و ظهور مرکز اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خارج از اروپا و آمریکای شمالی، نشانگان روزان قدرت غرب برای تعریف و ارتقاء فرهنگی می‌توانند فرهنگ جهانی و تأثیف‌گذاری برای دیگران به عنوان کثرت‌گرایی فرهنگی هست ترکیب و سامان‌بخشی به فضاهای و فرهنگ‌های ناهمگون است بنابراین، راه سومی است که هم از تقلیل حاصل از شناخت یکدیگر اجتناب می‌کند و هم از توهمات از این‌های تحقیق نایدیر. نوع فرهنگ مندرج در گفتمان کثرت‌گرایی عصر جهانی شدید، در تضاد با فرهنگ جهانی نیست، بلکه فرهنگ‌ها بسان روزگاری گردانند که به یک ایجادیوس می‌روند. جانمه جهانی به عنوان خوبی از ایجادیوس و ایجادیش‌های پهپورست و در هم‌امیری عوامل سیاسی - اجتماعی و اقتصادی، ساختگی هستگی و یکدیگر شده نیست، گرسنگی در انقدر فرهنگ و ایجاد شده است، پندار و خالی بیهوده و بیادزارانه می‌پروردند. فرهنگ ذات خان اداره نایاب است که ملت یا تواریخ (جهانی، ۱۳۸۰: ۳۹) در فرهنگ جهانی، امر محلی با امر جهانی می‌باشد. فرهنگ‌های جهانی - محض شکنندۀ در هم می‌آینند گریهای که فرهنگ‌های محلی «آن روپرتو هستند، نه ملاکت فرهنگی است و نه نلاس بیهوده» برای تبلیغ به خود بستگی فرهنگی، گزینه واقعی عبارت است از از این‌دادهی نوع فرهنگی به شکلی پیچیده‌تر و شاید آتشنه‌تر

تجاذب را تایید و ادعای به زنگیت شاخن آنها را «دارد» اما با وجوده به زنگیت شاخن این تفاوت‌ها، ضرورت هم‌بینی علیبد و فرهنگ‌های مختلف را نیز تاییده سرگرد

پلورالیسم عرهنگی در یک جامعه چندفرهنگی، این اینکن را می‌دهد که بدور نهاد و ساخته عالم سیاسی یک جامعه می‌شوند، حق انتی‌ها را بر حفظ زبان خود در متن خانواده و اجتماع گروهی آنها، حق احجام میراسم دین، حق سازماندهی روابط در چهارچوب خانواده و اجتماع محلی را بر حق حفظ رسوم اجتماعی و جمعی آنها را به رسمیت شناخت (ایوچی، ۱۳۷۷: ۱۸۶-۱۸۹)، به عین سیاق اینست جهان و حق واحدی‌های می‌باشد پلورالیسم چندگانگی و چندفرهنگی بردن است. یعنی آنکه پلورالیسم و پلورش چندگانگی، رد تصور جامعه‌ای کامل است که در آن همه ازمان‌ها و خبرهای انسانی به قدرت می‌آیند پلورش پلورالیسم باعث می‌شود تا نگاه یک‌نگارانه به تک‌آهن‌همدانگارانه تبدیل و در میانه برای همه‌بینی می‌باشد اینست انسان‌ها در هزاره سیم فرهنگ‌گردید. با ملاحم انسان از قید قیومیت شوکت و قداست قدرت سیاسی و پرچم‌ده شدن گذارهای این‌تلر یک از سفع جهان، زمینه شکل‌گیری نظمی می‌باشد برگشت فراهنگ و سوت‌های گروگاری زندگی در عرصه‌ای مورایک‌وارکار هست یک‌نگر فراز می‌گیرد (شایگان، پیشین: ۱۳۸۰: ۵۱).

کثرت‌گرایی فرهنگی هست ترکیب و سامان‌بخشی به فضاهای و فرهنگ‌های ناهمگون است بنابراین، راه سومی است که هم از تقلیل حاصل از شناخت یکدیگر اجتناب می‌کند و هم از توهمات از این‌های تحقیق نایدیر. نوع فرهنگ مندرج در گفتمان کثرت‌گرایی عصر جهانی شدید، در تضاد با فرهنگ جهانی نیست، بلکه فرهنگ‌ها بسان روزگاری گردانند که به یک ایجادیوس می‌روند. جانمه جهانی به عنوان خوبی از ایجادیوس و ایجادیش‌های پهپورست و در هم‌امیری عوامل سیاسی - اجتماعی و اقتصادی، ساختگی هستگی و یکدیگر شده نیست، گرسنگی در انقدر فرهنگ و ایجاد شده است، پندار و خالی بیهوده و بیادزارانه می‌پروردند. فرهنگ ذات خان اداره نایاب است که ملت یا تواریخ (جهانی، ۱۳۸۰: ۳۹) در فرهنگ جهانی، امر محلی با امر جهانی می‌باشد. فرهنگ‌های جهانی - محض شکنندۀ در هم می‌آینند گریهای که فرهنگ‌های محلی «آن روپرتو هستند، نه ملاکت فرهنگی است و نه نلاس بیهوده» برای تبلیغ به خود بستگی فرهنگی، گزینه واقعی عبارت است از از این‌دادهی نوع فرهنگی به شکلی پیچیده‌تر و شاید آتشنه‌تر

انسان‌های پست است، «غرب حتی اگر همچنان در زمینه‌های اقتصادی و فنی مسلط باشی بعانت فرهنگ به ظاهر جهان‌شمولیش به لحاظ تاریخی و جغرافیایی نیس ر محلی شده است» (لش، پیشین: ۱۰۱). از طرف دیگر خود فرهنگ‌های می‌شوند فرهنگ‌های غربی نیز به خاطر همیزی با گرایش‌های فرهنگی کاملاً متفاوت، در زیر سلف دریافت - ملت دچار نکش شده‌اند. (همان)
 درباره تأثیرات جهانی شدن فرهنگ و برداشت‌های مختلف از فرهنگ جهانی من نوان به سه رویکرد اشاره داشت (ایوان، ۱۳۸۰: ۱۱۳-۱۱۲، ۱۱۰-۱۱۱).
 الف. فرهنگ مدون به متابه فرهنگ جهانی

کثرت‌گرایی فرهنگی هست ترکیب و سامان‌بخشی به فضاهای و فرهنگ‌های ناهمگون است بنابراین، راه سومی است که هم از تقلیل حاصل از شناخت یکدیگر اجتناب می‌کند و هم از توهمات از این‌های تحقیق نایدیر. نوع فرهنگ مندرج در گفتمان کثرت‌گرایی عصر جهانی شدید، در تضاد با فرهنگ جهانی نیست، بلکه فرهنگ‌ها بسان روزگاری گردانند که به یک ایجادیوس می‌روند. جانمه جهانی به عنوان خوبی از ایجادیوس و ایجادیش‌های پهپورست و در هم‌امیری عوامل سیاسی - اجتماعی و اقتصادی، ساختگی هستگی و یکدیگر شده نیست، گرسنگی در انقدر فرهنگ و ایجاد شده است، پندار و خالی بیهوده و بیادزارانه می‌پروردند. فرهنگ ذات خان اداره نایاب است که ملت یا تواریخ (جهانی، ۱۳۸۰: ۳۹) در فرهنگ جهانی، امر محلی با امر جهانی می‌باشد. فرهنگ‌های جهانی - محض شکنندۀ در هم می‌آینند گریهای که فرهنگ‌های محلی «آن روپرتو هستند، نه ملاکت فرهنگی است و نه نلاس بیهوده» برای تبلیغ به خود بستگی فرهنگی، گزینه واقعی عبارت است از از این‌دادهی نوع فرهنگی به شکلی پیچیده‌تر و شاید آتشنه‌تر

ب فرهنگ مصرفی به مثابه فرهنگ جهان.
ج فرهنگ پس امدادن به مثابه فرهنگ جهان

فرهنگ مدنی به مثابه فرهنگ جهان

مدنیسم بر ارزش‌های همچون علّال‌گرایی، سکولاریسم
و فردگرایی نکبه دارد. آزادی انسانها از تحجیر و
علیه‌مندگی، مستلزم گسترش این آموردها درون در نظر
گرفتن تاریخ، جغرافیا و احتمادات هر قوم است. در این
نظریه، تعلیم و گسترش آموزه‌های مدنیسم و پایداری از
از مسوی غیرگر جوابی، «مفهوم جهانی شدن» است. پروان
این نظریه معتقدند که فرهنگ ایبریان غرب دارای مجموعه
از ارزش‌های ذاتی جهان‌نمود است که با گسترش آن‌ها در
دیگر جوامع به عنوان «فرهنگ جهانی» رسمیه شد و
توسعة کشورهای توسعه‌یافته، فرهنگ مدنی شد. این
معتقدند که اسروره، اتفاق بطریق قابل توجهی در برآورده
مشروعيت ایبریان دموکراسی پیدا کرد و ایبریان
دموکراسی، پایان تکامل ایستادلوزیک پژوهیت و تاریخ
است (Fukuyama, 1992). موقوفت‌هایی همان‌طورهای در
نقسم حقوقی مدنی، از عدی بیان و قویه قضایه مستقل
باشد ایجاد یک فرهنگ سیاسی جدید شده است که
مشخصه‌های آن هارانت از:

۱. افراد حقوقی مستقلی در قصور ادبی و عمل دارند
۲. شامل فرآیندهای حاضر حساب نمایند، حق
یان و ملکیت کنون بر جسم، مالکیت و دارایی خود است.

۳. اعضاي هر جامعه از حق انتخاب و مشارکت در
حکومت با در اختیار داشتن ابزارهایی که به آنها حق
ذائولاگه‌داری پذیران در انتخابات و مشارکت را می‌دهند

۴. این رویکرد، جهانی شدن فرهنگ چیزی نیست
بر جهانی شدن مادریت در شناس شکل و ابعاد آن
توصیف یک جانشنهای جهان با آموردهای غرسی، حال آنکه
جهان تنها از آن طوب نیست. برخلاف این منعنه که
کم و بیش به روابط غرسی از تجده متکن است، اسروره
روابط‌های بسیار مجال بروز «دانه و عروسه فرهنگ آن‌ها
مرعکه‌ای ایجاد را به توانای شاند که آغاز جهان‌گردی گل
شود به صرفاً طوب را نوید من «هد». (رجایی، پیشین)

(۲۹)

فرهنگ پس امدادن به مثابه فرهنگ جهان

دانه و سرعت شکلهای اریاعی مرسی جهان که باعث
جزوان یافتن انسانها کالاها شده، موجب طرح فرهنگ
جهانی شده است. اصطلاح «فرهنگ جهانی» برای اشاره
به «جهانی شدن فرهنگ» مورد استفاده فوار می‌گیرد به
برای اینجا، یک فرهنگ واحد، یک پارچه و پروتسلنی
الحراف آمیز از فرهنگ ملی، لذا در پیدگاه پس امدادن‌ها،
فرهنگ غرب دیگر مانند دوران مدریته یک فراورابت

فرهنگ مصرفی به مثابه فرهنگ جهان
ظرفیت این نظریه که به طور عمد مخدان فرآیند
جهانی شدن هستند، معتقدند جهان هم اکنون شاهد
لکل گیوه این‌الیسم نویش در زبان از فرهنگ تحت
عنوان «این‌الیسم فرهنگ» است. غرب با همگن‌سازی
ریکدست کردن جهان از طریق جهانی کردن کلاهای

تبریز کشیده بود، پسکه صرفاً روایتی است در میان روزات‌های پس از دیگر. نگاه به فرهنگ جهانی به عنوان یاد فرهنگ پس از این فرستن برای یک گشایش پیش تو و سنت است در قبال خیر مدریجه فراهم من گشته، به طوری که خلوات‌های فرهنگی به حدای این که سرگوب و سایده نشوند، معتبر شناخته می‌شوند. (نش، پیشین، ۶۷-۶۹)

جهان نمودن با پاسخ‌داری پژوهش خود و به همین ترتیب فرهنگ جهانی افسوس فرهنگی پس از این سلطان شده که سرعتاً در حال تغییر، پاره پاره و گسترش، متکثر، مستحکم و مستقیم شدن است. یک فهرست جهانی واحد از اختلافات و تباوت‌ها و معرفه نداره باز این، فرهنگ جهانی به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر متکثر است. (هدایت، ۱۵-۱۶).

پیروزی^{۲۰} معتقد است که «در یک برموده تاریخی (انگلی) من کنیم که ویزگن آن قشیدان ایمیان به فرار و رفتار پیشرفت عقلی به سوی یک جامعه بهتر است... در فرهنگ پس از این فرستن برخوردها بین جهانی‌ها متفاوت که از هیچ اصول معتقد فراگیری برخوردار نیستند، وجود دارد، یعنی همان اصول مطلقی که به صاریحه من داشتند که به صور قطعی یک راه جای دیگری معتبر نشانیم. در حقیقت، ما برای این که شوایم مسائل را درگ کنیم باید هر دو را پشت‌سازیم». (نش، پیشین، ۱۰۲)

هم خواجه^{۲۱} ایز معتقد است که مسائل قومی، مذهبی، نژادی، فرهنگی، اخلاقی، رسم‌محیض، اقتصادی، ملیان، توجهی، حقوقی بشر را... در دهه ۱۹۹۰ میلادی از انسانی طرح‌ها و نظریه‌های عام و کلی را سایر اعمال کنترل و ابعاد نظم نشان داده است. (بنزگن، ۱۳۷۷: ۲۲۲).

به نظر پاسخ‌دارها جهان به مثابه متنی است که خود از روابط بین‌الملل^{۲۲} تشکیل شده است هر متنی معنای خاص خود را داشته و دلالت پر مجموعه معنای‌گذاری از زبان، تعبارت، تاریخ، خاطرات، اختلافات و اورزش‌ها من گشته در نتیجه چنین برداشتش من توان گفت که هر متن به منزله یک فرهنگ واحد خواهد بود و هویت در سایه روابط بین‌الملل مبنی بر اصل تادل شکل می‌گیرد و نه در اموراء ظایل یا استعمال، لذا جهان نمودن فرهنگ از نظر پس از این فرستن به معنای استعمالی یک فرهنگ بر فرهنگ دیگر، بلکه به معنای تعامل گفتمان‌های فرهنگی در فرآیندی از اختلاط و تعامل است (کیانی، پیشین: ۱۱۲-۱۱۳).

به نظر من رسد که جهان تکری پس از این فرستن به دلیل سرشت مشاهن و تکریگرانهای خود، استعداد پیش‌توی برگی تبیین پذیده‌های فرهنگی در سطح جهان دارد. در نظام امروز، تقدیرهایی فرهنگی متفرق شده‌اند و متفرق وجود جوهری جهان امروز است.

کثرتگرایی فرهنگی در عصر جهانی شدن هرچند کثرتگرایی فرهنگی تا حدی ناکن از اندیشه نسیں گرایی فرهنگی است اما کثرتگرایی این حد و مرز در جهان که مشروط به حد و حدودی است قابل حصول نیست. کثرتگرایی در واقع حاکم از آن است که ما کثرت و سلطوات را در درون حوزه‌ها یا گفتمان‌های خاص احتمالی و در سیرون آنها به رسیدت من شاییم. هر صفة فرهنگی جهان کتوی نیز هر صفاتی پایرالایشی است زیرا



جمع‌های «بسن، فرهنگ، ملی، قوم و محی»^{۱۷} من انجامد: «هویت مشروطه‌بخش»^{۱۸} که در درون حکومت‌ها با دولتهای من ایجاد می‌شود و زمینه را برای شهور جامعه‌مدل آماده می‌سازد. «هویت ملاقات»^{۱۹} که ناشی از شروع احساس طرده و کنارگذشتن از است و به ایجاد انحراف‌ها و جمعیت‌ها و گواش‌های خاص منجر می‌شود و «هویت پردازهای»^{۲۰} که مسبط ظهور گشگران اجتماعی جدیدی منشود که به نحو دسته جمیع عمل منکنند و از آنان با اصطلاح «سرمه اجتماعی»^{۲۱} بدانند گفته، اینسان پژوهانه ساختن هویت‌های ناز، را به نموده اجرا فرمی آورند که می‌توانند انسکال کاملاً منقوص، از ارتجاهی و محافظه‌کار و واپس‌گردانی‌بارز جو و جزء‌اندیش و فرقه‌گزار و تیز پیشرو و غافل و عقل‌گوار به خود بگیرند. (کاستلر، یوشین، ج. نول: ۲۲-۲۲)

کثرتگرایی فرهنگ در حرمه جهان در واقع دارای

دو خصلت وحدت و تنوع است که تنها در تکرش

چندی بعدی قابل ملاحظه است. چنین تکرش این امکان را

من دهد تا ضمن پذیرش گوناگونی و پیش‌انگاره‌های ملازم

آن، یک سامان قابل دوام برای جهان ترسیم کند.

کثرتگرایی فرهنگ در حقیقت حلولی دیگر از موضوع

هویت فرهنگی به شمار می‌آید و امروزه این واقعیت که

فرهنگ بر اثر مشارکت گستره‌گردی مختلف هویت

و سهم‌گیری این گروه‌ها در زندگی فرهنگی هم‌ومن‌عنی تر

من شود، محاکم روشناکی و سیاست‌گذاری را به سوی

خود جلب کرده است. (یهلوان، یوشین: ۱۳۱)

رونده از موسمی که ذاتی جریان گشتن جهان شدن است، نمی‌تواند تنوع فرهنگی و تعددی باعث اگاهی مشرک و

یزد و در واقع کرچک شدن دنیا باشد، بلکه گوناگونی

نمایانه بین مللی بین مردمان فرهنگ‌ها و تمدن‌های

گوناگون شده است اما این امر نمی‌تواند به خودی خود

و حدش در چشم اندازها ایجاد کند و چنین نیز تکروه

است. «اگاهی مشرک در عرصه دنیا به معیارهای

فرهنگ‌ها پیچایده بلکه تا حدودی در جوهر مخالف آن

حرکت کرده است؛ اگاهی از متفاوت بودن» (هرتزوج،

۱۳۸۰: ۱۶۸)

امروزه اگر کشورها به محترم شمردن برخی

از زندگانی محوری مشرک ترغیب می‌شوند، به معنای

پیروزی از راههای توسعه اقتصادی همانند، موسیقی

همانند یا غواص رفاقتی همانند نیستند، بلکه بحث بر سر

از زندگانی محوری چون محترم شمردن شان انسان

است.

جهانگرایی به مفهوم جهانی شدن «خدنهای فکری

است که از دوران روشگری، تعداد قابل ملاحظه‌ای از

مردم را در قلمروهای فرهنگی و فکری به سمت خود

در آن تعاریف تمدنی، فلسفه‌ای، معتقد‌ای و گوناگون دیگری در برخود به وضعیت جهانی مشری و همین طور تنوع ریالی از هویت‌هایی که بدون برخود به وضعیت جهانی ساخته می‌شود، وجود دارد اما این تکثر تمدن‌های فرهنگی و فن نفه و احادی خیر بودن این گوناگویی برای نظام و راهدهای آن است. به همان‌گونه که مسلم معاصری از یک فرهنگ مشرک است که بحسب آن واحدی‌های تکیه‌مند توائی با یکدیگر رو به طبقه داشته باشد. (زایرسو، پیشنهاد: ۱۵۳)

امروزه گرایش شدیدی به سنت گوناگوی فرهنگی و گوناگوی فرمی هم در درون یک ملت و هم در بین کلان ملت‌ها وجود دارد. مردم چشم‌اندازهای فرهنگی و منافع فرهنگی سیاسی ملتفاوی دارند که از محل نشانگی آنها و مسأله از دیگر هر گونه منافع انسان بجهان‌نشمول سرچشمه می‌گیرد. نه معیارهای اخلاقی مخالف و جهوده دارند که به ما امکان دهند این منافع را مستلزماتی کنیم و به منافع جهانی تقدیم بخشمیم و نه از ساز و کار سیاسی نهادینه‌ای برخورداریم که بتوانند چنین سلسله مراتب را در می‌استهای عملی نهادنده سازد. تا چاریم شناسایی مربوط به دلستگی جهانی را از راه گفت و گویی فرهنگی بین منافع جهانی و منافع محلی حل کنیم به نظر محمدعلی اسلامی ندوشن، با توجه به برخورد میان فرهنگ‌های ملی و فرهنگ جهانی، سبلهای آینده،

واقعیت کثرتگرایی فرهنگی جهانی گنوی،
لشان‌گر عدم مطلوبیت و امکان‌ناپایه پیری
یکسان‌گردانی سیاسی و مدیریت
شبیه‌سازی است

سلهای هستند که پدرشان فرهنگ جهانی و مادرشان فرهنگ بومی عوائد بود. (نوریان، ۱۳۷۹: ۴۶)

جهانی شدن، اختصار فرهنگ‌های محلی و شناخت آنها را صورت نایابد، مشروعت هریت‌های فرمی را تقویت و هریت‌ها را سیاست می‌کند. مانند کاستلر از شکل‌گیری سه نوع هریت در تئیه تحولات جدید پیاده می‌کند. وی معتقد است که نلاش برای تحمل سلطه به روز مقاومت و ظهور به گونه هریت مقاوم در هیأت

حدب کرده است اما جهان‌گزین معاصر، نظریه‌های قدیمی وحدت جهان را بر اساس گسترش یک ناحیه مرکزی راه می‌کند و نوع فرهنگی را برای فضای را به عنوان خصوصیات پیش‌دادی جهانی محترم می‌نماید (نعم، ۱۳۸۰، ۱۱۹).

جهانی شدن نه آزادانشیر است نه تابعه دوران جدیدی است با ویژگی‌ها و چالش‌های خاص خود که پاسخ بشریت را می‌طلب. جهانی شدن مسکن است به بحث از فرصت‌های دیرین پایان بخشد اما در مقابل فرصت‌های دیگری را به وجود می‌آورد و همزمان من‌تواند محاطه‌ای را ایجاد فراهم آورد. جهانی شدن موجب شیوه این حلیلت می‌شود که جهان، گوناگون و متنوع است و فرهنگ پرتو را حدی و وجود نشاند. روند جهانی شدن به سمت ایجاد جهانی مسکن یعنی رود، نکه روی به سوی یک جهان ناعیمن دارد اما عمدان گونه که جهانی شدن به معنای سلطه غرب و سلطنت‌شدن یک مدل و مبارج جهانی نیست، همچنان به معنای نکثری از هایات هم نیست، دنیای جهانی شده، کثرت الگال گوناگون را تحمل و نشوند می‌کند. در سطح بین‌الملل هر آنکه پندگانه قدرت و نیز نوع بازیگران در صحنه جهان دیده، من شود. تولید غیرمعترک را رسانی نمودگانه‌گان چندگاهه باز کرده است. در عرصه فرهنگ پرتو زدن مدرنیته و روابط‌های غرس مورده چالش قرار گرفته و همچارهای فرهنگ غیر‌غرضی صدای رسانی پیدا کرده‌اند (رجایی، ۱۳۷۹، ۱۲۲).

بطلاق مشاهتمان و یکسان‌ها است.

ما اکنون روند جهانی چندگاهه شده‌ایم که درک و تعبیر آن تها از دیدگاهی کثرت‌گرا می‌است. دیدگاهی که هویت فرهنگی، شبکه‌سازی جهانی و سایت‌های چندگاهی را پیکارهای توکیب می‌کند. دنیای امروز نکثر را در صورت‌های مختلف و از جمله فرهنگ ترویج می‌کند. نوع لازمه جهانی شدن و جهان‌گزرنی است و نوسل به نکلو من‌تواند حق حیات را برای همه انسام و گروههای دین و فرهنگی و دیگر اندیشه‌شان تضمین کند. در واقع کثرت‌گرایی فرهنگی «ما را به شناسایی و حتی گرامی داشتن» دیگران، درست همان گونه که هستند، بدون سقوط به تازدگیستی دعوت می‌کند (رجایی، ۱۳۸۰، ۱۲۳).

برخلاف دوران مدرنیته که کنید و لذت تابعه و تناول به معنای پذیرفتن تفاوت میان ما و دیگران بود، دوران حسنه لریزی بر احتیاط همه دنیا را برای درباره حلیلت من‌گذارد، بدون این که در چاله نسی‌گرایی محض گرفتار آید. کثرت‌گرایی فرهنگی هم بیانگر شیوه است و هم

وحدت. لتو، تحلیل «استنگهای محلی و همیشهای معاصر را محاذ می‌نماید و در عین حال مستلزم وحدت است، زیرا ترویج گر مفهوم جهان‌بودگی^{۲۱} (جهان به مثابه یک کل) است. شرط ادامه عیات هر همیشه و فرهنگ تأیید وجود تفاوت‌ها است و جهانی شدن می‌باشد این گوناگونی و تنوع است به طوری که گوناگونی در زمینه‌های مختلف، وجه اساس جهانی شدن است. نظریه جهانی شدن می‌باشد بر ایجاد اندیشه‌های تاهمگی جهان است. جهانی یک‌است و همگن، حتی حضور آزاداندیشانه پیروان و شهر وندان خود را انسان‌سته و تحمل نمی‌کند، از این در ترویج اندیشه‌های تکثیر طبلان در ظایه‌های آموزشی و ایجاد فضای تکثیرخواه در میان شهروندان تمدن‌های گوناگون تنها چاره مسکن است.

در فرهنگ ترویجی جهانی از طریق شاهد پذیرش گستره اصول اساس حقوق انسانی هستیم که این اصول رفته‌رفته به صورت مسیارهای جهانی درسی آید، مسیارهایی حساس و شکننده که اغلب در خطاب‌های مورده تکریم و تعلیم فوار می‌گردند و در عمل فرمایی خشونت من‌شوند. با این وصف، همین مسیارهای بعدی از روشی دوچیخ رسمی و ساده‌گانه که مردم سراسر جهان می‌توانند به درک آنها تابیل آید و خواستار اجرای آنها در مسورة خودشان باشند و در همان حال پیدا کرده‌اند که دیگران نیز

جهانی شدن نه آرمان شهر است نه فاجعه. دوران جدیدی است با ویژگی‌ها و چالش‌های خاص خود که پاسخ بشریت را می‌طلب. جهانی شدن مسکن است به برخی از فرهنگ‌های دیرین پایان بخشد اما در مقابل فرهنگ‌های دیگری را به وجود می‌آورد و همزمان

همین توقع را از آنها داشته باشد. در واقع نوع اگاهی سیاره‌ای و جهانی درین کلیه مردمان گیش شکل گرفته است و از طرف دیگر شاهد پذیرش شیوه و گونه‌گونی فرهنگی هستیم که عرصه جهانی را مبدل به رسانه‌گزیری از فرهنگ‌های محلی و یومن گردانیده است.

نتیجه گیری
گندمان کثرت‌گرایی فرهنگی در عصر جهانی، منظمن

بر مایر گروهه، از پک سو مانع بس عدالتی، تبعیض و ناواری اسری می شود و از سوی دیگر از شبیه سازی، همسانگردانی، پکارگی و تک عدایی لیز فاصله می گیرد و ضمن به رسمیت شناختن نوع و تکثر اخترام به حقیقت، حقوق سیاسی و آزادی های مدنی، با تراجم، تلخیت، پراکنگی و چندیابگی تیز ملات منی ندارد، از منظر سیاست خارجی آمد شناسی تکثیر و گوناگونی، جایگزینی ثبات، همراهی می مانتیم، مقامه، اعتقاد متفاوت، مشروعت، امانت، مشارکت و رفاقت به جای برداشی، خشونت، ممتازه و ذاتی خواهد بود.

فهرست متابع

۱. آنکهوره، باری و دیگران، ۱۹۷۸، نظام جهانی انسان، سیاست و فرهنگ، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بنیانی وزارت خارجه
۲. اسلام شوشنی، محمدعلی، ۱۹۷۹، ایران چه حرفی برای گفتن دارد؟، تهران: شرکت مهندسی انتشار
۳. میرگی، رحیم، ۱۹۷۷، دیگران، ای جدید در روابط بنی اتمان، تهران: نشر ای
۴. بهمن، جنگران، ۱۹۸۰، فرهنگ شناسی گفتارهای من در زمینه فرهنگ و تمدن، تهران: شرکت ایام امروز
۵. ناظری، اولی و دیگران، ۱۹۷۶، به مسوی تمدن جدید، ترجمه محمد صاحب طریق، تهران: شرکت سینما، چاپ سوم و نامنیسو، جان، ۱۹۸۱، جهانی شدن و فرهنگ، ترجمه محسن حکیمی، تهران: دفتر پژوهش های فرهنگ
۶. واسرسون، رولند، ۱۹۸۰، جهانی شدن: تئوری های اجتماعی و فرهنگ جهانی، ترجمه کمال پولادی، تهران: نشر ناک
۷. رحایی، فرهنگ، ۱۹۸۰، پدیده جهانی شدن، ترجمه عبدالحسین آذرگ، تهران: نشر آگه
۸. شاپیگان، دیوتو، ۱۹۷۵، افسوس زارگان: جدید، هریت جهان تکه و تکرار سیار، ترجمه قاطمه و لیسان، تهران: نشر فرادر
۹. کاظمی، علی اصغر، ۱۹۸۰: جهانی شدن فرهنگ و سیاست، تهران: انتشارات قومی
۱۰. کاستر، مانوئل، ۱۹۷۸، عصر اطلاعات (سه جلد) ترجمه علیلیان، خاکایار و چلوویشان، تهران: انتشارات طرح
۱۱. گری، جان، ۱۹۷۹، فسلیه سیاسی آمریکا برلن، ترجمه عشاپاره بیهی، تهران: انتشارات طرح تو
۱۲. گلدن، آندری، ۱۹۷۹، تحدید و تشخیص: چامه و هرب شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موظفان، تهران: نشر
۱۳. لیویچن، آنور و دیگران، ۱۹۷۸، جهان در آستان قرقیز و بکم، ترجمه علی اسدی، تهران: انتشارات و

وزندگی «وسیله است که هم به وحدت و عامگری می دارد و هم به کثرت و خاص گرایی، این خصایق جدید باعث شده تا نفمه فرهنگ جهانی کشوری چند صفاتی باشد و با واقعیت دیالکتیکی فرهنگ در تاریخ سازگار افتد و فرهنگها از پسیده های مستصلب و تغیرناپذیر به پذیده هایی در حال تغییر به واسطه تأثیرات متقابل تعریف شوند.

واقعیت کثرت گرایی فرهنگ جهانی کشوری، شناخت گرای عدم مطلوبیت و امکانات ناپذیری پکارگویان سیاسی و مدیریت نسبی سازی است به ظهر برس از صاحب نظران، امروزه حتی ایندیه پک ملت - پک فرهنگ به شکست احتجاجیده و پذیرش نوع و گوگوس گزیره پذیره از آن است که در برنامه ریزی ها و سیاست گذاری های عملی دولت ها مغلوق واقع شود در اثر فراگیر شدن گفتگمان گثشت گرایی فرهنگ، ظرفیت انجام دهنده میلت به عنوان یک شیوه زندگی و همراه آن، شایوه های کم ریشه همگن وحدت مدنی روز به تقدیم زندگان است اما در مطابق به نوع فرهنگی که روزی عالیان برای تفرقه و جداگان در حواس و لکشوارها سود چشمی سرمایه میگیرند من شود زندگن در اکثر دیگران نه علیه دیگران، آنها را اسلی خشای فرهنگ جهانی گشتوانند میلت و به انسان را باید متوجه برای غشن شدن پیوسته داشت و به همین دلیل تبریز از آن دفعه کرده، نکثر زبان ها، اقوام، فرهنگ ها، داشت و حتی سرمایه زیستگان انسانی سیرالش است که باید در حفظ آن گوشید. نوع قومی را باید پیوسته قومی است و این امر ضمانت است که فرهنگی پیوسته فرهنگی ادامه را باید امروزه فرهنگ های اقلیت متفاوت شناسایی بیشتر و عامتری است به هویت های خاص خویش و تیر آزادی هایی بیشتر و غرست هایی بهتر برای حفظ و توسعه اندوخته فرهنگی شناخت عالی خودشان هستند در باسیع به چنین تفاوت هایی ساز و کارهای توپی در سیزدهی از کشورها برای سازگاری با «تعارف» ایجاد شده است.

واقعیت نضای فرهنگی کشوری جهانی که در مرکز اندیشه گثشت گرای آن، امتعای از پذیرش «استبداده» هسته کالی قرار دارد که استبداده علیه درست زیست، افراد را در زندگی تعیین می کند، الگوهای استبدادی و تسامیت خواه رژیم های میان اینستولوزنک و مطلعه را برخیش نمایند تغییر چند صفاتی فرهنگی جهانی کشوری، حکایت از آن دارد که زمان برچیدن بسط متعاهی شکوه هسته یگانه ایگارانه فرا رسیده است، پژوهه که پیشین نظام هایی با ادعای درست داشت تعاریف «حلیقت مطلق» به سادگی به استبداد من انجامند.

پذیرش گوناگونی را نیز رویکرد استعلامی پک گروه

پی لوشت:

1. Neo- Mandism Theory
2. Regulation Theory
3. Flexible Accumulation Theory
4. Nation - State and Violence Theory
5. Public Sphere Theory
6. Post-industrialism Theory
7. Post Modernism
8. Flexible Specialisation Theory
9. The Informational Mode of Development
10. Global Village
11. Marshal Mc Luhan
12. Zbigniew Kazimierz Brzezinski
13. Alvin Toffler
14. Manuel Castells
15. Anthony Giddens
16. Eric Hobsbawm
17. Ian Clark
18. Roland Robertson
19. Mike Featherston
20. Herbert Blumer
21. George Ritzer
22. Scott Lash
23. John Ury
24. Jean François Lyotard
25. Jim George
26. Inter Contextual Relation
27. Legislative Identity
28. Opposition Identity
29. Objective Identity
30. Social subject
31. Globalism



- آموزن اندیاب اسلامی، چاپ دوم.
۱۳. مک آن، گرگوون، ۱۹۸۰، کشورگرایی، ترجمه نسرین طاطبائی، مرکز چاپ و انتشارات وزارت خارجه.
 ۱۴. نش، آیت، ۱۹۸۰، جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، ترجمه محمد تقی دکتروز، تهران: نشر کوشش.
 ۱۵. هانتسکوون، سامول، ۱۹۸۰، نقدنامه در بازاری نظام جهانی، ترجمه میو احمد سریبی، تهران: نشر کتابسرای هربرت.
 ۱۶. هربرت، رومان، ۱۹۸۰، آئین نقدنامه راهبردی برای فلسفه جهانی عرف قرن بیست و پنجم، ترجمه هرمز همدانی‌پور، تهران: انتشارات فرهنگ.
 ۱۷. وازن، مالکر، ۱۹۷۹، جهانی شدن، ترجمه امدادعلی هرمادی‌گوی، تهران: سازمان منابع و اسناد.
 ۱۸. دیسلر، فرانک، ۱۹۸۰، نظریه‌های جامعه اطلاع‌های، ترجمه امدادعلی هرمادی، تهران: انتشارات قصیده‌سرای فریستاد، اندرزو، ۱۹۷۱، نظریه‌های درازانی، ترجمه حسین پاکری، تهران: نشر ای.
 ۱۹. Albrow, Martin, 1996, *The Global Age*, Cambridge, Polity Press.
 ۲۰. Baghramian, Martin and Attracta, Ingram, 2000, *Pluralism; The Philosophy and Politics of Diversity*; London and New York, Routledge.
 ۲۱. Fukuyama, Francis, 1992, *The End of History and Last Man*; New York, The Free Press.

مقالات:

۱. یمن، رائف، ۱۹۸۰، «جهانگیری و متعاقده گردایی»، ترجمه حمید نقوی‌پور، نامه فرهنگ، سال پانزدهم، شماره ۹۰.
۲. حسیاب‌الصلوانی، هدیه، ۱۹۸۰، «کشورگرایی از اصول تاریخگری»، فصلنامه راصد: ترجمه سعیده زنجانی، شماره ۱۱.
۳. زیانی، فرهنگ، ۱۹۷۹، «نظریه روابطین المثل در دنیا»، جهانی شدن، ترجمه پیرز ایزدی، فصلنامه سیاست خارجی، سال چهارم.
۴. عیدالحمدی علی، عادل، ۱۹۷۹، «جهانی شدن و آثار آن بر کشورهای جهان سوم»، ترجمه سید اصغر قربانی، اخلاءات سیاسی - اقتصادی، سال چهاردهم، شماره ۱۰۹، ۱۰۰.
۵. قربانی، فردین، ۱۹۷۹، «جهانی شدن، تحریر و ارزیابی ناکسر مختلف، فصلنامه سیاست خارجی، سال چهاردهم، شماره ۲.
۶. گیتسی، داود، ۱۹۸۰، «فرهنگ جهانی به استمرار پا و افتادت»، فصلنامه مطالعات سی، سال سوم، شماره ۳۰.
۷. ناصری، قذیر، ۱۹۸۰، «در چشم جهانی شدن، تأثیر نظری در سمت و صفت اتفاق جهانی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهارم، شماره ۱۳.